



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdistan

دوستان عیب نکنند که چرا دل به تودام!
باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرایی؟

www.brwske.com

سایت سازمان کومله

نوامبر: 27 - 11 - 2009 و روانیوز 6 نوامبر 2009

از: سرهنگ چیا

ره وانیوز: مام جلال بو ئازاد کردنی زیندانیان سیاسی روزهلات کوردستان گه یشته تاران.



میگویند: اگر اصل یک واقعه تاریخی (66)! تراژدی است

تکرار آن مضک و شرم آور خواهد بود!

آنجا که شیران ز شکار باز مانده اند . . . و

پلنگان خسته از شکار . . .

صیاد حيله گر برباید شکار را!

منظور از شیران و پلنگان: پیشمرگان "موتور انقلاب" خاموش است!.

آقای جلال طالبانی!

ملت کرد! از پیر و جوان، از زن و مرد بطور اعم، و آزادیخواهان آن بطور اخص از دیدن عکس مشترک - و پهلو به پهلو شما: (**جلال طالبانی**)؟!، با منفورترین چهره تاریخ: (احمدی نژاد: **تروریست**)!! . **بویژه**: با آن لب خند های تلخ و زهرآگین مشترک تان، تحت هر بهانه و دستاویزی که باشد؟!، بیزار و متنفر است. و آنرا: بمنزله نیش خندا هانت آمیزی به خود - و به جنبش آزادیبخش (**ملی و انقلابی**) و ... **شهداء آن**، **وسیله شخص شما**: (**جلال طالبانی**) میداند!! که در دو دهه اخیر بطور آشکار و پنهانی و در نقش پیشقراولان نیروهای نظامی و امنیتی رژیم اختناق و سرکوب گر جمهوری اسلامی ایران در کردستان شرقی عمل کرده - و میکنید ... **مسئول و جوابگو می داند**!؟.

لذا: ساده لوحی خواهد بود!، اگر اینگونه: تزویر و ترفند ها، اینگونه بهانه و دستاویزها **تحت نام**: (**تعدیل حکم اعدام 2 نفر جوان کرد محکوم به مرگ را**)؟! : سرپوش و یا کتمان برای برنامه های اصیل تر ایشان؟!، **یعنی**: (**شرفیابی مقرر و معین سالیانه وی بحضور ریاست جمهور و آستان بوسی امام**، بخاطر سپاسگزاری از کمک های که در گذشته ... و گذشته های دور و نزدیک و در رابطه با جنگ و خون ریزی با رقیب تاریخی خود: (**بارزانی**) به ایشان کرده ... و در ضمن آن مراسم ها؟! : **مسلمان!**، **تجدید عهد و پیمان وفاداری**: در ادامه - و پیگیری سرکوب و اختناق حدود **10 میلیون** نفر ملت کرد - مبارزان و آزادیخواهان آن ... و **بویژه**: جنبش آزادی بخش آنان را در کردستان شرقی)) در نقش نماینده مخصوص: **امام** است؟! ... نا دیده انگاریم.

زیرا! تاثیرات سوء و شوم: (**مادی، معنوی و بویژه: ملی**) این تراژدیها عمیق و عمیقتر از آنست که بتوان تحت عنوان این جار و جنجال "**تبلیغاتی**" آنرا توجیه و خودرا در پیشگاه تاریخ ملت کرد تبرئه کرد.

اوضاع آشفته و بحرانی "**تیره و تار**" که هم اکنون اورگانیزم (**سیاسی، تشکیلاتی و ئیدئولوژیکی**)) که در این بخش، جنبش ملت کرد را فرا گرفته ... در واقع تداومی است بیمارگونه از: ابتلاء به این (**زد و بند ها**)؟! است ... و نه چیز دیگر.

آقای طالبانی!

ملت کرد!، در این بخش از میهنش بطور اخص! . . . و در سراسر میهن اشغال شده اش بطور اعم!!، شخص شما (**جلال طالبانی**) را عامل و مسبب سرکوب و اختناق: (**خود و جنبش ملی و دمکراتیک**) خویش میدانند . . . و از آن کاملاً آگاه و مطلع اند!! . که: شما در پای خاکساری و در یوزگی به آستان: (**شوینیزم - و ارتجاع**)!! به خاطر جلب رضایت آن: رژیم منفور و ضد بشری! . از هیچ و مطلقاً هیچ: خواری و مذلّتی، از هیچ: تباری و توطئه ای علیه آنان. . . **تنها!!**: بخاطر حفظ و بقاء موقعیت شخصی خویش و اطرافیان تان . . . دریغ و کوتاهی نکرده . . . و نمیکنید.

ملت کرد! از آن دهقان کوژ پشت خرمن سوخته! گرفته . . . تا آن جوان زندانی یا محکوم به مرگ از: طرح و اجرای توطئهء ترور دکتر قاسملو گرفته . . . تا انعقاد قرار داد آتش بس معروف به آتش بس ملا عبدالله . . . تا بالاخره! ایجاد نفاق و دو دستی در بین کادر رهبری حزب و . . . سرانجام به: (**سکون و بن بست**) کشاندن امروزی جنبش آزادی بخش (**ملی و انقلابی**) خود و فرزندانش . . . **السخ** شمارا قدم به قدم، و بمنزلهء پیسقراولان نیروهای رژیم جمهوری اسلامی در برابر تاریخ این وقایع، مسؤل و جواب گو می داند؟؟؟ . . . **نه چیز دیگر!**

و این: هیاهو - و جاروجنجال تبلیغاتی تحت عنوان: (**تعدیل احتمالی حکم اعدام 2 نفر محکوم**) و **در فرایند آن**، پرو پاگاند " تبلیغاتی " دستگاههای شکست خوردهء طرفدارشان: و **بویژه:** جار و جنجال تبلیغاتی هرزه گران متحد: (**ارتجاع - و فئودالی**) شان: چون ملا عبدالله حیاکي ها - و صلاح مهتدیها: درسایت اختصاصی و تبلیغی "بروسکه" و یا دستگاه سخن پراکنی "روانیوز" را تلاشی آشکار و روشنی است برای سر پوش گذاشتن به وقایع ذکر شده در بالا . . . و **بسا!**: اعادهء موقعیت و اعتبار از دست رفته اش در بین مردم کرد در: کردستان شرقی بطور اعم! . . . و درپایگاه سنتی - و موروثی از ((دست رفته)) شان، یعنی: (**شهر سلیمانیه**) و ساکنین آگاه مبارز و حومهء آن در انتخابات اخیر، بطور اخص!، میدانند. و . . . **نه چیز دیگر!**

لیکن، در هر دو مورد بالا باید به: (**آقای طالبانی**)! . . . و **بویژه:** به اطرافیان و مداحان وی گفت: **رفقا!!**: اگر این شیوه و شگردها، اگر این دوز و کلهها، زمانی در

کوهستانها رنگی و رویی داشت!! امروزه در شهرها - و درمیان مردم مبارز و آگاه "کرد" دیگر خریداری ندارند. زیرا:

در ادامه همین روشهای: نا صادقانه... تبانیها... وتوطئه های "آشکار و پنهانی" بود که در جریان انتخابات اخیر پایگاه سنتی و موروثی مورد ادعای تاریخی خود را، یعنی: شهر همیشه مبارز و آگاه (سلیمانیه) را از دست داد... و ناچارا برای بقاء و ادامه این چنین مغلظه بازیهای شیطانی و ضد ملی خویش... در میان تعجب و نا باوریهای دیروزی شان!!، چنان: ((به حمد و ثناء! و تعریف و توصیف!... و بالاخره: خاکساری و تملق!!)) به آستان حریف و رقیب تاریخی و دیروزی خود یعنی "بارزانی" که از قضاء تا دیروز هزاران - هزار، از بهترین فرزندان ملت کرد را فدای معارضه و دوئل سنتی و ارتجاعی بین خود و ایشان کرده بود پرداخت... و بعکس؟!، علیه متحد و هم سنگر دوران سختی ها: (نوشیروان)، (بارزانی) را ترجیح و... با وی متحد شد؟؟!!.

آری!، یاد یار مهربان: (اتحادیه میهنی کردستان)؟؟؟؟ و مام جلال؟؟ دیگر نمی آید بگوش. میگویند: (فرق است بین اینکه انسان نامی بر خود بگذارد، یا اینکه عملا آنطور باشد).

رفقا! مایلم در اینجا و بر حسب مورد چون تاریخ و تجربه تلخ و ناگوار جنبش کرد از یک سو، و بویژه: درس گرفتن و آموختن از آن از سوی دیگر، به سر خط ماجرا جوئیهای ضد ملی و میهنی جلال طالبانی که در دو دهه اخیر طراحی و به مورد اجراء درآورده اند کرده اند؟؟، اشاره ای کرده باشم.

توضیح: (این خلاصه را من از نوشته 32 صفحه ای بنام (پیام سرگشاده به: سران "فئودال عشیره) کرد در عراق - و در جریان دستگیری اوچلان رهبر پی کا کا، به قلم نگارنده این سطور "چیا" در سال 1999 / 6 / 21 نوشته و ذیلا - و برای آگاهی بیشتر نقل می کنم.) (چیا).

1- جنگ و خونریزی علیه جنبش نو پای ملت کرد در ایران بین سالهای 1980 تا 1984 وسیله افراد ایل بارزانی.

2- جنگ و خونریزی متقابل بین دو همتا و رقیب تاریخی (طالبانی و بارزانی) بر سر تحکیم هژمونی انحصار قدرت از سال 1980 تا 1986 که سرانجام با میانجیگری دولت ایران منجر به آتش بس (گذرا و موقتی) 8 - 11 - 1986 بین آنان گردید... و آنگاه متفقا در جریان جنگ 8 ساله بین دولتین ایران و عراق، به خدمت اهداف:

سیاسی و نظامی رژیم جمهوری اسلامی ایران در آمدند. . . و این وابستگی و خدمت گزاری همچنان و تا . . . به امروز ادامه دارد؟؟!!

3- جنگ و خونریزی داخلی: (کردستانی کردن جنگ) بین سالهای 1994 تا 1998 بین آنان در ذون حفاظتی بین المللی باز بر سر تقسیم و تجزیه این بخش واحد از میهن کرد، به مناطق زیر نفوذ و کنترل خویش (بادینان - سوران) . میدانیم در این مرحله از دوئل بین آنان علاوه از خسارت سنگین "مادی و معنوی"؟؟ بمردم بیگناه تعدادی در حدود 3000 نفر از فرزندان کرد (پیشمرگان) نیز از طرفین درگیر به کام خود کامگیهای این حضرات فرو رفت.

4- کینه و دشمنی با (پی کا کا) در رابطه با موافقتنامه معروف واشنگتن مورخ 17 سپتامبر 1998 که سران دو قبیله (طالبانی و بارزانی) را ملزم و متعهد به برچیدن پایگاههای گریلاهای این سازمان و . . . نیز حفظ و حراست مرزهای دولت ترکیه در مقابل عملیات گریلاهای "پی کا کا"!!، بیشتر موید این واقعیت است.

5- و بالاخره: فاجعه تاریخی - و ژنوساید (16 مارس 1988) شهرک حلبچه که در آن حدود 5000 نفر از زن و مرد، از کوچک و بزرگ جان خود را از دست دادند. از نتایج مستقیم - و غیر قابل انکار ماجراجوییهای ضد میهنی شخص جلال طالبانی و پیشقراولان مسلح او که در جریان وابستگی ایشان به دولت ایران در جنگ 8 ساله بین دولتین ایران و عراق پدید آمد.

در آن ماجرا!، افراد تحت امر وی بمنزله پیشقراولان در پیشا پیش نیروهای ایرانی (قرارگاه رمضان) به شهرک حلبچه هجوم و این شهر را از تصرف نیروهای دولت بعث عراق خارج و اقدام به برپایی سازمان و تشکیلات اداری و نظامی مخصوص و بشیوه رژیم ایران را در آن مستقر کردند؟! و بدینسان صدام را تحریک و وادار به استفاده از گاز شیمیائی علیه نیروهای متحد ایرانی . . . و طالبانی کردند که در این میان مردم نا آگاه - و بی خبر از این "زد و بند" های سران خود با اشغالگران میهنشان جان خود را از دست دادند.

بنا بر این باید با آوای رسا فریاد برآورد: **آقای طالبانی!** آنچه را که در (گذشته) و آنچه را که در (حال) و در صحنه (سیاسی، تشکیلاتی و نظامی) جنبش ملت کرد در این بخش و در آن بخش از میهنش جاری بوده . . . و ادامه دارند؟؟، خیانت

است به ملت کرد . . . به سرزمین کرد . . . به آرمان کرد . . . در شکل و محتوای (کلی - و سراسری) آن . . . لاغیر!

و دقیقاً! در ماوراء چنین : ((ابتلاء و اعتیاد)) ها است که: مسئله جنبش و آرمان ملت مظلوم و مبارز کرد، در پراتیک فقط و فقط تا آنجا " صادق ، تاریخی و قابل قبول " . . . و ماآلا پذیرفتنی است که به حوزه تسلط و اقتدار آنها صدمه ایی نزنند و ساختار شوم ((ارتجاعی و موروثی))؟! آنان بهم نخورد.

Zanareazarmehr.blogspot.com

سایت : سازمان زنان آذرمهر

دوشنبه 2 آذرماه 1388

حکم اعدام حبیب لطیفی و شیرکو معارفی لغو شد



بگو به من! ...

به کجا فریاد خویش سر دهم!

که ای روباه پیر طریقت

دیگر بس است.

مرکز مطبوعاتی اتحادیه خانواده فعالین دربند کورد: طبق اخبار واصله از دفتر اتحادیه میهنی کردستان (YNK) طی نامه نگاری ها و دیدار محرمانه ی دیروز (یکشنبه) جلال طالبانی رئیس جمهور عراق فدرال با آیت الله خامنه ای و آیت الله صادق لاریجانی، رئیس قوه ی قضاییه دستور لغو احکام اعدام حبیب لطیفی و شیرکو معارفی را جهت بررسی مجدد پرونده هایشان در یکی از شعب دیوان عالی کشور را صادر کرده است. برخی خبرهای تائید نشده حاکی از آن است که پیشتر جلال طالبانی در این باره با محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران مذاکره کرده است. لازم به ذکر است تاکنون رسانه های رسمی ایران این خبر را تائید نکرده اند.

عوامفریبی ها و مغلطه بازیها . . . و سفسطه گریهای دارو دستهء شکست خورده در اینبار و از طریق " روانیوز " چنین ادامه دارد . 1- در عنوان خبر و بر بالای سر جناب رئیس جمهور فدرال چنین می خوانیم:

(حکم اعدام حبیب لطفی و شیرکو معارفی لغو شد) در متن خبر آمده است . . . طبق اخبار واصله از دفتر: اتحادیه میهنی کردستان طی نامه نگاریها و دیدار محرمانه دیروز (یکشنبه) جلال طالبانی رئیس جمهوری عراق فدرال با آیت الله خامنه و آیت الله صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه دستور لغو احکام اعدام **حبیب لطفی** و **شیرکو معارفی** را جهت بررسی مجدد پرونده هایشان در یکی از شعب دیوان عالی کشور را صادر کرده است . بعضی خبرهای تأیید نشده ای حاکی از آن است که پیشتر **جلال طالبانی** در این باره با **محمود احمدی نژاد** رئیس جمهوری ایران مذاکره کرده است .

2- در پایان این پروپاگاند و هیاهوی (تبلیغاتی): ملاقاتهای (رئیس جمهوری فدرال با: آیت الله خامنه ای، آیت الله صادقی لاریجانی، و بالاخره، محمود احمدی نژاد) و همه و همه چنین آمده است: **لازم به ذکر است تاکنون رسانه های رسمی ایران این خبر را تأیید نکرده اند.**

خواننده این سطور از خود می پرسد ، بالاخره کدامیک؟؟ . . . آیا همانطوریکه در بالا اشاره کردم در پس این پروپاگاندها . . . و جار و جنجالها هدف یا هدف های (تبلیغی و اختصاصی) دیگری نهفته نیست؟؟ .

حقیقت اینست!! : که رژیم جمهوری اسلامی قبل اینکه : **آقای طالبانی و درخواست هایش: در موقعیت و مقام یک رئیس جمهوری فدرال عراق** بشناسد و . . . آنها را مورد بررسی - برآورد و قبول خویش قرار بدهد . **خیر!** او را با چشم همان پناهنده ای مینگرد که در گذشته . . . و گذشته ها دور و نزدیک اگر نه : یکبار، بلکه بارها و بارها برای ترمیم و جبران شکستهایش - و باز پس گرفتن قدرت از دست رفته اش و بالاخره: بازگشت به منطقه مورد ادعای موروثی و سنتی اش (**سوران**) در آستان آنان زانوی تلموز - و تمنا و تملق را زده است . . . و **نه چیز دیگر**

در غیر اینصورت! ، پرسیدنی است؟؟ ، **آیا** : در عرف بین المللی - و روابط بین کشور ها کجا دیده شده است؟؟ ، که برای تعدیل حکم اعدام دو نفر محکوم آنهم از شهر و ندان عادی آن کشور **رئیس جمهوری فدرال کشور دیگری** ؟ شخصا به آن کشور مسا- فرت و به حضور: ((**رئیس جمهور** ، امام امت و . . . رئیس قوه قضائیه شرفیاب شود))؟؟!! . و **یا خیر!** این قبیل موارد و مسائل داخلی کشورها را می توان . . . و

میبایستی از طریق ارتباط- و مکالمات تلفنی و یا در نهایت با اعزام : (نماینده ویژه ای) حل و فصل گردد؟؟.

حقیقت تلخ و ناگوار: ((ضد ملی - و آزادی و دمکراسی)) اینست!! که: در فرآیند این شرف یابیها؟؟، رژیم ایران کماکان از: آقای جلال طالبانی خواسته و میخواهد که به پاس کمک های دریافتی گذشته اش در (بازگشت به قدرت منطقه ایی - و مآلاً: رسیدن به مقام و موقعیت امروزیش: " رئیس جمهوری فدرال عراق ") میبایستی همچنانکه قبلاً: (در دوران شکست و آوارگیهایش) متعهد و ملزم بوده است!. اکنون نیز در اجراء و برآورد و تامین نیازمندیهای (نظامی و امنیتی)!! رژیم در منطقه!!، یعنی: سرکوب و اختناق جنبش: (ملی - و انقلابی) ملت کرد در آن بخش اشغالی یعنی: (کردستان شرقی) کماکان و با تمام توان - و تعهدش چون گذشته ها : (دو دههء اخیر)؟!، تلاش و کوشش نموده ... و آن جنبش را در موقعیت گرفتار و مبتلا به فعلی اش: (سکون - و بن بست)! نگهدارد... و نه چیز دیگر.

بنا براین: بیهوده نیست که اگر: ملت کرد! با تجزیه و تحلیل این اوضاع و احوال و ارتباط- و پیوند آن با: زندگی تاریخی و تجربی باصطلاح مبارزاتی؟؟!! آقای جلال طالبانی، سرانجام او را عملاً از سالهای معروف به 66 بنام سیاست بازی حرفه ای و معامله گر " بی بند و باری " میشناسند که در این دوران مبتلا به ویروس وابستگی - و خود فروشی بوده - و در اینراه: تنها بخاطر حفظ و بقاء موقعیت خود و اطرافیانش از هیچ ... و مطلقاً هیچ: حیل و نیرنگی!! ... از هیچ ... و مطلقاً هیچ: تبنانی و توطئه ای!! علیه ملت کرد ... و جنبش ایشان، در این دوران برای استیلا گری قدرت از نوع: (فئودال و ارتجاع سنتی) شان؟؟، تا به امروز سال 2009 و روز 7 سپتامبر ... و مخصوصاً در جریان همین مسافرت - و براه انداختن این قیل و قال تبلیغاتی؟؟: نه تنها هیچ تغییری در شیوهء فکری و ئیدئولوژی و تشکیلاتی وی بوجود نیامده است. بلکه بعکس!: در مقام و منزلت ریاست جمهوری کرد طبار فدرال عراق؟؟ ... نیز باید دوباره تکرار و تفهیم کرد: مام جلال!!: رفیق شکست خورده از دوران!

اگر این شیوه و شگردها، اگر این دوز و کلها، زمانی در کوهستانها رنگی و رویی داشت!! امروزه در شهرها - و در میان مردم مبارز و آگاه " کرد " دیگر خریداری ندارند.

عکس بالا با احمدی نژاد نمونه بارز و مشخصی از ذکروبیان این واقعیات است.

لذا: با ذکرو بیان این خلاصه از پراتیک تاریخ و تجربه تلخ و اندهبار جامعه و سرزمین مظلوم و ستمدیده کرد که **مسلم!** قصه ها... و داستانهای دردناک بیشتری در سینه های خود دارد؟؟.

مایلم در این پایانی!، و بنا به موارد مستند ذکر شده در بالا از یک سو، و قرائن و اماراتی که ذکر آن در این خلاصه نمی گنجد از سوی دیگر. من "سرهنگ چیا": به عنوان احدی از آحاد ملت بزرگ کرد: و بر اساس وظایف مبرم و معتقد: (ملی و تاریخی) ام: در پیشگاه ملت کرد و تاریخ آن. لذا: موارد اتهامی ذکر شده در این نوشته را در حکم نقطه آغاز حرکتی برای طرح - و اقامه داد خواستی از نوع جنائی - لیکن: سمبولیک! علیه: (آقای جلال طالبانی و اطرافیانش) و درخوا- ست تعقیب آنان را از: پیشگاه (ملت کرد)!، **باتهام**: تبنانی و توطئه محرزو آشکار... و تکراری آن علیه: **ملت کرد و جنبش آزادی بخش آن**. لازم، ضرور و کافی میدانم.

پرسیدنی است؟! کی؟! ... کجا؟! ... چطور؟! ... آری! : فردا! ... و فردا های دیگر با... حضور و شرکت هزاران مادر داغدیده - و چشم بر سرآب بازگشت ها! با حضور و شرکت هزاران دهقان پیر و سالخورده کرد: (وامانده و نا امید)!! از نعمت وجودی فرزند و... **بسا!** فرزندانش!!... و بالاخره: با حضور شرکت هزاران معلول جنگهای خونین و ویرانگر آنان!!... **به امید و انتظار امروز!**

رفقا!، باین نکته نیز آگاه و واقف ام!! که طرح چنین درخواست - و داد خواهی **بویژه**، صدور و اجراء حکم کیفر خواست جنائی از این نوع "**خیانت**" علیه آنان در شرائط امروزی: یعنی: **1** - فقدان حاکمیت مستقل (ملی، اداری - و حقوقی) **ملت کرد** از یک سو **2** - وجود و ادامه حاکمیت واستیلاگری آنان از سوی دیگر، مقدر و میسر نیست!!.

بسختن واضحتر: این دادخواست و دادخواهی هیچگونه ضمانت اجرائی نداشته و بطوری که در بالا نیز بدان اشاره کردم در شرائط کنونی فقط جنبه **سمبولیکی** آن مطرح است.

لیکن!، همزمان نیز بر این باورم! : که تاریخ هر ملتی عبارت از مجموعه ای از

نوشته ها، نظرات ، تجارب ، عقاید و عملکرد های احاد آن ملت است! . با این امید که این نوشته های: من . . . شما . . . و آنها: منشاء و مآخذ بیطرفی باشند برای قضاوت و رای آیندگان! . . . آیندگان آزاد در سرزمین آزاد: (کردستان)! .

پیروزی با فردهای ملت کرد است.

و نه چیز دیگر!

پایان

Chia.rabii@yahoo.com

2009/12/7

مالمو سوئید